

## تحلیل و آسیب شناسی نظریه های رایج: نگاهی نقادانه به اثرات

### فلسفه لیبرالیسم در پرستاری

اکرم السادات سادات حسینی<sup>۱</sup>، علیرضا صادق زاده<sup>۲</sup>، عبدالحسین خسرو

پناه<sup>۳</sup>

#### چکیده

لیبرالیسم به عنوان رویکرد فلسفی حاکم در غرب، بر روی حرفه پرستاری نیز مانند دیگر شئون زندگی جوامع غربی بیشترین تاثیر را داشته است. اگر چه شاید مستقیماً از فلسفه لیبرالیسم در تئوری های پرستاری نام برده نشده است، ولی فلسفه های موجود آمده از آن مانند فمینیسم و پراگماتیسم تاثیر غیر قابل انکاری در پرستاری دارند. اصولی مانند منحصر بفردی و مساوات بشر که در ابتدا جزئی جدایی ناپذیر از پرستاری به نظر می رسیدند در حال حاضر برای پرستاری در دسر ساز شده اند. توجه به اقتصاد بازار آزاد در پرستاری و آزادی فردی و تقدم آن بر مصلحت جامعه سبب شده تا جوامع غربی عملاً برای انسان های با ضریب هوشی کم و حتی متوسط دیگر جایی برای زندگی مطلوب نباشد. در حرفه پرستاری برای ارائه خدمات مراقبتی و بهداشتی با بحرانی روبرو شده ایم که چگونه می توان بر اساس اصل فرد گرایی به سلامت جامعه دست یافت. در حالیکه باید مصلحت فرد را بر جمع مقدم دانست. این همه تناقض در اصول لیبرالیسم در پرستاری برای مجریان حرفه گیج کننده شده است و آنان را به فکر طراحی و معماری بنای جدیدی انداخته است. حال زمان آن است تا با طراحی بنایی نوین بر اساس اصول اسلامی چشم جهانیان را به سوی این دین الهی و معرفت بی انتها که مستقیماً از جانب خداوند به ما ارزانی شده است باز کنیم و با شناخت دقیق و واقعی پرستاری در اسلام بتوانیم به حرفه پرستاری شکل و معماری جدیدی بدهیم. هر چند ممکن است در بعد عملکرد، شباهت های زیادی در پرستاری بر اساس ایدئولوژی لیبرالیسمی و اسلامی دیده شود؛ اما مسلماً تفاوت های آشکاری نیز وجود دارد.

واژگان کلیدی: پرستاری، لیبرالیسم، نقد، اسلام، جوامع غربی، فردگرایی

ashoseini@tums.ac.ir

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۳</sup> دانشیار پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی

#### مقدمه:

لیبرالیسم یکی از مکاتب فلسفی پر نفوذ غرب است. این مکتب در زمینه های فلسفی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی اصول و مبنای خود را ارائه کرده است. لیبرالیسم در مفهوم وسیع خود عبارت است از: اعتقاد به اینکه انسان آزاد به دنیا آمده و صاحب اختیار و اراده است و باید مجاز باشد تا خود را به هر اندازه که ممکن است به نحو آزاد پرورش دهد.

لیبرالیسم در طول تاریخ، همواره با موانع آزادیهای فردی نظیر نفی فردیت، تعصبات مذهبی، قدرت مطلقه و محرومیت افراد از حق رای مبارزه کرده است بر این اساس لیبرالیسم دارای ویژگیهایی همچون اصالت عقل، انسان محوری (اومانیزم) و اصالت آزادی و فردیت، سکولاریسم، روشنگری، نسبیت گرایی در ارزشهای اخلاقی و نظام تربیتی آزاد می باشد. (۱)

به عنوان مثال در زمینه های سیاسی طرفدار آزادیهای فردی و اجتماعی است و در زمینه مسائل اقتصادی نیز به کم کردن نقش و قدرت دولت اعتقاد دارد، در زمینه بهداشتی نیز به اصولی مانند آزادی فرد در انتخاب و توجه به اصالت فرد بر اجتماع و مساوات در ارائه خدمات بهداشتی درمانی تاکید دارد.

مفاهیمی مانند ارزش ذاتی در نظر اعضای هر قشر و گروه چیست؟ در فلسفه پزشکی و بهداشت معرفت شناسی، هستی شناسی و زیبایی شناسی چه معنایی می دهد؟ بحث هایی است که در سالیان اخیر مطرح شده اند. البته آنچه مسلم است وجود و ماهیت حرفه ای نیز وابستگی نزدیک با این مفاهیم می یابد.

در پرستاری امروزه توجه به فلسفه و بنیان های فلسفی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و نظریه های انتقادی مانند فرا ساختاری post structural، فرا مدرنیته post modern و فمینیسم feminist نقش زیادی در تشکیل بنیان های فلسفی پرستاری ایفا نموده اند. (۲)

نظریه پردازان پرستاری در سالیان اخیر به پایه های فلسفی نظریه های خود توجه زیادی داشته اند، نظریه پردازان پرستاری بر این عقیده اند که پرستاری امروزه بدون داشتن بنیان های فلسفی و توجه عمیق به آنها نه تنها بصورت حرفه در نخواهد آمد بلکه در موارد بحرانی و حساس بدون روح و سرگردان خواهد شد و قادر نیست به سوالات حساس و مهم

حرفه در موارد خاص پاسخ گوید. بنابراین ضروری است تا تئوری های پرستاری بر اساس فلسفه نوشته شوند. (۳ و ۴ و ۵ و ۶)

اگرچه نقش تئوری های پرستاری در ارکان و شعبه های مختلف پرستاری متفاوت است ولی آنچه مسلم است همگی این تئوری ها پایه های فلسفی ای دارند و سبب پیشرفت حرفه پرستاری شده اند. لذا توجه به پایه های فلسفی پرستاری امری مهم در رشته تلقی می گردد. (۷)

در اینجا قبل از ورود به بحث فلسفه لیبرالسم در پرستاری لازم است تا تاثیرات فلسفه در علوم را به اجمال بررسی نماییم. گسترش دانش با سیاست، اجتماع و اقتصاد ارتباط نزدیکی دارد و همگی این امور تحت تاثیر ایدئولوژی قرار دارند. البته تاثیرات ایدئولوژی، فلسفه و سیاست بر علوم که پرستاری نیز جزئی از آنست به دو صورت عمده خود را نشان می دهد.

#### ۱- نوع کاملا آشکار تاثیر فلسفه بر علوم: در این نوع بطور مشخص این سؤال

مطرح می گردد که فلسفه موجود چه خصوصیتی به علم می دهد و در نهایت علم بدست آمده چه مفاهیم و عملکردی برای ما دارد؟ چگونه با توجه به پایه های فلسفی علم موجود نتایج تحقیقات تفسیر می گردند؟ در این حالت علوم به پایه های فلسفی بطور آشکارا پیوند می یابد و نیازهای اجتماعی را با توجه به فلسفه مورد نظر تامین می کنند.

#### ۲- نوع دوم کمی مرموز است که می تواند حمایت کننده یا کاملا بر ضد نوع اول

باشد در این نوع اثر فلسفه بطور آشکار در ساختارهای اجتماعی دیده نمی شود اما چهارچوب و دامنه علم، حق تقدم در علم، عملکرد و زبان علوم را تحت تاثیر قرار می دهد. مثال های زیادی در مورد این نوع نفوذ فلسفه در علم وجود دارد مثلا نفوذ سیاست نازی ها در فلسفه پزشکی و علم پزشکی که معتقد به اصلاح نژادی و نژاد برتر است، البته بنظر می رسد امروزه علم نوین آنرا به هیچ عنوان تائید نمی کند ولی معمولا این نژاد پرستی بصورت نا آگاهانه توسط علم حاکم مورد تائید قرار می گیرد و حتی از آن حمایت هم می گردد. از نمونه های بارز این امر که بسیار خطرناکتر از اصلاح نژادی نازی ها در جنگ عمل می کند مسئله مرگ از روی اراده (euthanasia یا eugenics) است که ظاهرا در نظام اجتماعی موجود

کاملاً طبیعی و درست بنظر می آید و با عناصری مانند رعایت اخلاقیات، علمی بودن و حقوق فردی توجیه می گردد اما در اصل کاملاً برخلاف اخلاق حرفه ای و علمی است و دقیقاً از اصل برتری نژاد و قائل نشدن حق حیات برای نیازمندان تبعیت می کند تا جائیکه خود فرد بیمار نیز از زنده ماندن خود دچار احساس گناه می شود. (۸) یا مسئله آزادی سقط جنین بخصوص در مواردی که جنین مبتلا به بیماری های خاص باشد. این نوع قوانین، اعمال و اخلاقیات بی رحمانه، تنها با عملکرد فلسفه نازی امری بدیهی بنظر می آید. این در حالیست که این فرهنگ کاملاً در جامعه نفوذ می یابد ولی نقش فلسفه نازی در آن اصلاً نمایان نیست و اجتماع آنرا بصورت امری طبیعی و بدیهی و کاملاً اخلاقی می پذیرد. متأسفانه این نفوذ، کاملاً مخفیانه وارد علم و حرفه می گردد و اصلاً هم مورد انتقاد و تقابل قرار نمی گیرد. این امر زمانی بسیار خطرناکتر می شود که بر روی پایه های عقیدتی موجود جامعه قرار گیرد و آنرا از شکل واقعی خود خارج می سازد مثل نفوذ فلسفه لیبرالیسم بر احکام اسلامی در جامعه ایران. (۹ و ۷)

باید توجه داشت نفوذ فلسفه بر علم یک سویه نیست معمولاً تئوری های منبعث از فلسفه وابستگی زیادی با دانش دارند بطوریکه در بیشتر موارد نفوذ آنان بر دانش بصورت امری بدیهی در می آیند و بصورت یک الگوی خوب و استاندارد و درست در ذهن محققین جای باز می کنند. در مواردی به قدری این امر بدیهی می گردد که قادر به شناسایی نفوذ و قدرت آن در حرفه نیستیم. حتی این تاثیر به قدری زیاد است که در مواردی امور غیر واقعی و نادرست نیز بعلت این تاثیرات بنظر درست می رسند. (۷ و ۱۰) پرستاری نیز به شدت تحت تاثیر منحصر بفردی انسان و تجربه گرایی در مکتب لیبرالیسم قرار دارد. این امور در پرستاری نقش مهم و عمده ای داشته اند و همانطور که قبلاً گفته شد هر دو از اصول اصلی لیبرالیسم می باشند. بنابراین این مقاله در پی آن است که نفوذ لیبرالیسم در پرستاری را با دیدی نقادانه بررسی نماید.

## روش کار:

این تحقیق قسمتی از یک مطالعه کیفی از نوع توسعه مفهوم<sup>۴</sup> می باشد. مقاله موجود در جریان جستجو کتابخانه ای و الکترونیکی در طی تحقیق درمورد تبیین چارچوب پرستاری در اسلام و جستجوی نظرات نظریه پردازان غربی استخراج شده است.

جستجو کتابخانه ای شامل جستجو در کتابخانه های آستان قدس رضوی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دانشگاه الزهرا و دانشکده های پرستاری دانشگاه های علوم پزشکی تهران بود. در کل ۲ منبع انگلیسی مرتبط با پرستاری و لیبرالیسم بدست آمد که به زبان انگلیسی بودند و هیچ منبع به زبان فارسی در مورد لیبرالیسم و پرستاری یا اثر فلسفه لیبرالیسم در پرستاری بدست نیامد.

جستجو الکترونیکی شامل دو قسمت عمده بود: ۱- جستجو در سایت های مرتبط که جستجو با موتورهای جستجو google و yahoo صورت گرفت که در مرحله اول جستجو با کلید واژه های nursing liberalism- philosophy و ترکیب آنها صورت گرفت که از مجموع 1340 سایت بدست آمده هیچکدام مناسب تشخیص داده نشدند. در جستجوی فارسی با کلمات، پرستاری-فلسفه-لیبرالیسم-مراقبت- اسلام-تاریخچه و ترکیبی از آنها ۸۵ سایت بدست آمد که مطالب موجود در سایت ها تکرار مطالب کتب و مقالات بدست آمده در جستجو کتابخانه ای بود لذا از مطالب کتب به دلیل سندیت بیشتر بجای مطالب سایتها استفاده شد.

۲- جستجو در پایگاه های الکترونیکی که شامل جستجو در پایگاه های-CINHAL-MEDLINE-ISI بود که از طریق Springer, EBSCO-OVID به آنها دست یابی صورت گرفت. مقالات بین سالهای ۲۰۰۰-۲۰۱۰ که دارای متن کامل قابل دسترسی بودند مورد بررسی قرار گرفتند. کلمات کلیدی جستجو شامل: nursing-philosophy-liberalism-feminism-theory-critique و ترکیبی از آنها بودند. که در مجموع 736 مقاله مرتبط یافت شدند که از بین این مقالات 140 مقاله مورد بازبینی اولیه قرار گرفت و در نهایت ۵۲مقاله در تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. که در برخی بطور مستقیم و برخی بطور غیر مستقیم در تحلیل مورد استفاده قرار گرفت.

---

<sup>4</sup> Concept development

در نهایت محقق در این بررسی در پی آن است که با اطلاعاتی که از منابع اسنادی گرد آوری شده اند اثرات لیبرالیسم در پرستاری و چگونگی اثرگذاری این دیدگاه بر حرفه پرستاری را بررسی نماید و در انتها حاشیه ای بر پرستاری در اسلام بزند تا خوانندگان و محققان به این موضوع حساس شده و در جهت تدوین تئوری در پرستاری بر اساس اسلام گام بردارند.

### تأثیر فلسفه بر گسترش علم پرستاری

آشکار است که همواره فلسفه بعنوان پشتیبان یا مانع علم عملکرد خاص خود را داشته است. (۷) این گفته در علم پرستاری نیز مورد توجه قرار می گیرد زیرا در پرستاری نیز مانند دیگر علوم انسانی، اجتماعی و عملکردی نمی توان از نفوذ فلسفه ها و مفاهیم موجود در آن رهایی یافت و نمی توان انکار کرد اثرات تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر تکامل دانش و علم پرستاری تاثیر بسیاری داشته اند.

تا دهه ۱۹۷۰ تمامی چهار چوب پنداشتی و مفهومی تفسیرها و روش شناسی ها که در جهان علم مورد قبول بودند و صحیح در نظر گرفته می شدند تحت تاثیر تجربه گرائی یا عینی گرایی قرار داشتند. این غلبه فلسفه تجربه گرایی، عینی گرایی و پوزیتیویسم بطور سنتی این تصور را ایجاد کرده بود که طبیعت گرایی همان علم خوب، مناسب و روش صحیح است. (۱۰ و ۱۱) امروزه مشخص شده که این نوع نگاه به علم و دسته بندی آن و به دور انداختن دانشی که مطابق دیدگاه فلسفی حاکم نیست نوعی دیدگاه نژاد پرستانه، استعمار طلبانه و حتی در مواردی جنسیت گرایانه است. و هرگز انسان را به دانش واقعی رهنمود نمی گردد بلکه به دانشی دست می یابیم که می خواهیم.

کم کم نظریه بی طرفی علوم عینی زیر سؤال می رفت و مشخص شد که این علوم نقش عمده ای در ساختارهای اجتماعی و تاثیرات آنها در شکل گیری علم دارند بطوریکه علم را به شدت جهت دار نموده اند از جمله تاثیرات آنان می توان به در نظر نگرفتن عواملی مانند اثرات نژاد، سیستم آموزشی، استعمار طلبی و جنسیت در علم اشاره کرد و مشخص می گردد که در نهایت این نوع از علم نمی تواند بطور مطلق قابل استناد باشد. (۱۲) مثلا اگر در فرهنگ غالب اجتماع افراد بر اساس نژاد و جنس طبقه بندی شده باشند می تواند استفاده از سیستم های بهداشتی بطور کاملا مخفی بر این اساس شکل بگیرد و

محقق از تاثیرات نژاد یا جنسیت در کارهایش غافل بماند مثلا این نکته که زنان در آزمایشات دارویی بیشتر داوطلب می شوند نتایج تحقیق را تحت تاثیر جنسیت آنان قرار می دهد یا اینکه کدام طبقه اجتماعی تمایل استفاده بیشتر از امکانات بهداشتی را دارند و اقلیت های فرهنگی و مذهبی جامعه به علت عدم هماهنگی اعتقاداتشان با امکانات موجود از آن استفاده نمی کنند از دیگر عواملی است که علم را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. (۹۱۰)

در پرستاری نیز این تاثیرات به شکل زیرکانه ای وجود دارد که امروزه بنام نژاد پرستی دموکراتیک خوانده می شود. در این نوع نژاد پرستی شرح حال سلامتی و الگوهای سلامتی براساس فرهنگ غالب نوشته و طرح ریزی می گردد و به فرهنگ های ناسازگار با فرهنگ غالب یا توجهی نمی گردد یا آنان را ترد می نمایند. این امر سبب ایجاد نوعی بی عدالتی در ارائه خدمات بهداشتی می شود که کاملاً بصورت مخفی است و کمتر مورد بحث قرار می گیرد. متأسفانه در این شیوه مصالح گروه های کوچک مورد توجه قرار نمی گیرد و بطور نا آگاهانه این شیوه به شدت نژادپرستانه، مورد تائید کلیه افراد جامعه قرار می گیرد. و جالب اینجاست که افراد اقلیت ناسازگار با این روش نیز همواره سعی دارند تا خود را با این روش هماهنگ نمایند تا دید نژادپرستانه غالب در جامعه آنان را ترد نکنند. (۱۳) که کاملاً مغایر اصل منحصر به فردی انسان در فلسفه لیبرالیسم است. نوع دیگر نفوذ فلسفه بر علم در پی ریزی استاندارد ها، ارزشها و عملکردها است که در پی آن چگونگی مفاهیم و تعاریف آنان را مشخص می کنند و اینکه چه سئوالاتی را محقق پاسخ می گوید و از کدام تئوری یا متدولوژی کمک می گیرد، همگی بطور نا محسوس تحت نفوذ این فلسفه خاص قرار دارد. متأسفانه این نوع نژاد پرستی بطور مخفیانه ای در تحقیقات و تئوری ها وجود دارد، که در اینمورد نیز باید به نفوذ لیبرالیسم در پرستاری توجه کرد. (۱۴ و ۱۵)

### مفاهیم عمده در فلسفه لیبرالیسم

مهمترین مشکل لیبرالیسم گستره زیاد عقاید در مورد آن است (و گاهی حتی تضاد زیاد در این گستره عقاید) از بسیاری جهات عقیده لیبرالیسم به نفع طبقه متوسط جامعه بود و آنها بتدریج با این فلسفه در قرن ۱۹ و ۲۰ بر اقتصاد تسلط یافتند در انقلاب صنعتی قرن ۱۹ لیبرالیسم که بیان کننده آزادی و خود اتکائی بود بسیار به آنان کمک کرد. بعدها

رفاه و آسایش ایجاد شده در سایه لیبرالیسم خود باعث نا برابری اجتماعی شد، بطوریکه به قدری این مشکل آشکار شد که دیگر نمی توانستند از آن غفلت کنند. دولت‌ها باید پاسخگوی این بی عدالتی اجتماعی با تدارک سرویسهایی برای عموم مردم مثل تحصیلات، دسترسی به بهداشت، برنامه های رفاه اجتماعی و حقوقی می بودند. در اینجا به مفاهیم اصلی لیبرالیسم اشاره ای اجمالی می نماییم.

### منحصر بفردی individualism:

بر اساس این اصل انسانها بطور خاص از یکدیگر مجزا هستند ولی تحت تاثیر اجتماع، اقتصاد، سیاست و تاریخ گذشته خود قرار می گیرند. منحصر بفردی براساس تجربه گرایی و احساسات انسانی شکل می گیرد. (۶) سرمایه داری و اقتصاد بازار آزاد نیز از این منحصر بفردی لیبرالیسم نشات می گیرد که البته در اداره سیستم های بهداشتی و مقرون به صرفه کردن آنها نقش عمده ای ایفا می کند. (۷) اما در حقیقت منحصر بفردی در لیبرالیسم نه تنها ایجاد کننده مساوات نیست بلکه سبب ایجاد رقابتی بی رحمانه می گردد. زیرا در این فلسفه منابع موجود برای انسان محدود فرض می شود و امنیت و آسایش با کسی است که منابع بیشتری بدست آورد. پس ذاتا محیطی رقابت آمیز ایجاد می کند که در این رقابت برخی پیروز و برخی شکست خورده اند پس می بینیم که فلسفه منحصر بفردی بودن برای موجودیت سیستم سرمایه داری ضروری است. ولی اینکه برای انسان نیز ضرورت دارد جای بسی سوال است (۱۶).

### مساوات بشر Egalitarianism:

استعاره زندگی یک مسابقه است کمک می کند تا مفهوم اصلی فرصت برابر برای همه درک شود. یعنی همه افراد بشر شانس موفق شدن یا شکست خوردن را دارند و بر اساس منحصر بفردی شان می توانند به موفقیت برسند یا شکست بخورند. (۶) علی رغم ادعای مساوات چون منحصر بفردی مقدم بر آن است نمی توان مساوات را بر قرار کرد. زیرا همواره رقابت در مهارتها و توانایی ها پایه قضاوت است. درست است که این قضاوت دیگر بر پایه نژاد، سطح تحصیلات، جنسیت یا محل تولد نیست ولی به عدالت و مساوات واقعی نمی رسیم زیرا افراد توانا تر به امکانات بیشتری در این محیط رقابتی دست می یابند و از امکانات



بهتری در پیشگاه عدالت برخوردار می گردند. (همه در برابر قانون برابند ولی برخی برابر ترند). (۹ و ۱۷)

اما پایه ریزی « اجتماع عادل » مقدم است یا منحصر بفردی لیبرالیسم؟ البته منحصر بفردی لیبرالیسم مهم‌تر از مصلحت جامعه و فواید اقتصادی است. (۱۳) البته اینکه چگونه این امر در فلسفه لیبرالیسم رخ می دهد امری است که امروزه از مسائل عمده مطرح شده در لیبرالیسم است البته پرستاری نیز بعنوان حرفه ای که داعیه تدارک مساوات برای کلیه مراجعین را دارد از این امر مستثنی نیست.

### آزادی، منحصر بفردی و تحمل:

بر پایه منحصر بفردی تئوری لیبرالیسم، هر فرد باید آزاد باشد تا به دنبال اهداف منحصر بفرد خود در زندگی برود و زندگی خوب و ایده آل خود را بیابد. این تفاوت انتخابها در فلسفه لیبرالیسم بسیار مهم است

بر همین اساس آزادی خاص هر نفر باید از طریق قوانین جامعه حمایت گردد. حفاظت کننده جامعه لیبرال در برابر این آزادی ها تحمل است که شامل تحمل دیدگاه های گوناگون، پیشنهادات، عملکردهای فرهنگی و انتخابهای اخلاقی هر فرد است یعنی باید اصول زندگی خوب دیگران را پذیرفت و به آن احترام گذاشت و همه را مساوی تلقی کرد. بنابراین هر کس اجازه دارد علائق منحصر بفرد و آزادی خود را در انتخاب اهداف و روشهای رسیدن به آنها داشته باشد با این شرط که با آزادی دیگران تداخل ایجاد نکند. (۷ و ۶)

بنابراین برای عدم تداخل آزادی ها، دولت ها باید قوانینی وضع کنند. بنظر عده ای این وضع قانون باعث می شود که بطور پنهانی گروهی امتیاز بگیرند. بنابراین عده ای که خاصیت سازگاری با قوانین جامعه را دارند امتیاز بیشتری می گیرند و اصل منحصر بفردی زیر سؤال می رود. (۱۶ و ۱۲)

### اقتصاد بازار آزاد:

اقتصاد آزاد بر پایه اقتصاد رقابتی در تولیدات، اشتغال، کارگران و مشتریان است. که در این سیستم بیکاری، تورم و بحران های اقتصادی اجتناب ناپذیرند. لیبرالیسم عقیده دارد به خودی خود بازار آزاد این مشکلات را حل خواهد کرد (دستهای پنهان) این امر در حالی رخ خواهد داد که دولت کمترین مداخله را در امور اقتصادی داشته باشد. (۶) بنابراین از

نظر آنان افزایش شکوفایی اقتصادی در نتیجه کاهش مداخلات، کاهش برنامه‌های اجتماعی، اعتماد به پاسخگویی، منحصر بفردی افراد و اعتماد به افراد است. (۹)

### علم پرستاری، گسترش دانش و پیش فرضهای ایدئولوژی لیبرال

علی‌رغم اینکه تئوری‌های روانشناختی، اجتماعی و بیو‌مدیکال تاثیر زیادی بر پرستاری داشته‌اند و حرفه‌های بهداشتی سعی دارند این امر را القا کنند که تئوری‌های اجتماعی-سیاسی کمترین استفاده را به ظاهر در پرستاری دارند این امر مورد سوال و ابهام جدی می‌باشد. (۱۰ و ۱۱) بنابراین علیرغم ادعای برخی افراد نباید تعجب کنیم که لیبرالیسم بر علم پرستاری تاثیر شگرفی گذارده است. که شامل موارد زیر است:

- ۱- منحصر بفردی بر روی علم پرستاری تاثیر خاص و مشخصی دارد.
- ۲- دیدگاه اجتماعی مساوات برای همه بشر در پرستاری نفوذ زیادی داشته است.
- ۳- ترجیح داشتن تجربه بر علوم ماورا طبیعی
- ۵- اقتصادی بودن گسترش دانش در پرستاری و توجه به روش‌های مقرون به صرفه در تکامل دانش پرستاری (۱۸ و ۶)

### منحصر بفردی در علم پرستاری:

اصول علمی زیادی در پرستاری بر اساس واکنش به مفهوم منحصر بفردی در سلامت و بیماری بوجود آمده است که تاثیر تجربیات در بیمار و پاسخهای منحصر بفرد بیماران از آن جمله‌اند. بطوریکه مفهوم تجارب زندگی<sup>۵</sup> یک مفهوم کاملا آشنا در پرستاری است و تجارب عینی هر فرد پایه‌ای برای درک واقعیتها در پرستاری شمرده می‌شود. (۹ و ۱۶) تئوری‌های زیادی و بدنبال آن مدارس پرستاری زیادی بر اساس این تئوری‌ها تاسیس شده‌اند مثل تئوری نیومن و پارسی که در همگی آنها پاسخ به سلامت و سلامت - مراقبت مستقیما بر روی منحصر بفردی افراد پایه‌گذاری شده است. بر پایه نظریه پارسی انسان موجودی باز است. که به معنی انتخاب آزاد در موقعیتهای مختلف و پاسخگویی برد بارانه به تصمیمات وی توسط پرستار می‌باشد. در تئوری نیومن نیز توجه به سیستمهای منحصر بفرد هر کس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (۱۰ و ۱۱) در نتیجه این تفکر و بدون توجه

---

<sup>5</sup> live experience

به نتایج حاشیه ای آن وادار به پذیرفتن تعاریفی در علم می شویم که شاید حقیقی نباشد. (۱۹) بر همین اساس بی توجهی آشکاری به سلامت و بیماری عده ای می شود که با اکثریت جامعه متفاوتند یعنی از طرفی دم از منحصر بفردی می زنیم و از طرفی افراد را وادار به تبعیت از اکثریت جامعه می نماییم که این سبب بی عدالتی و نژادپرستی در سلامت و فرسایش و همه گیر نشدن برنامه های رفاه اجتماعی می گردد. همچنین فرسایش و کم شدن منابع اقتصادی برای مراقبت - سلامتی منحصر به فرد از نتایج دیگر آن است یعنی از یک طرف تلاش می شود به اصل منحصر به فردی توجه شود و هزینه های زیادی نیز در این راستا صرف می شود و از طرف دیگر به علت غیر ممکن بودن دستیابی به برنامه ای بر اساس منحصر به فردی بطور خالص ناچار به طراحی برنامه هایی می شویم که در آن استاندارد غالب جامعه را در نظر می گیریم که خود سبب فراموشی اصل منحصر به فردی و تحمیل اکثریت بر اقلیت می شود. پس سبب یک ظلم ساختارمند می شود یا احتمال تشکیل آن بوجود می آید. (۲۰) بر اساس اصل منحصر به فردی سیاست لیبرال؛ کاهش مداخلات محیطی، کم شدن برنامه های اجتماعی و افزایش تاکید بر روی پاسخ دهی و نتیجه است. اما اینکه طراحی برنامه های بهداشتی جامعه تا چه حد توانایی تحقق به این امور را دارند جای سوال دارد؟ (۱۸)

به علاوه بر اساس منحصر بفردی توجه به دیدگاه های عینی در تدوین اهداف تحقیق پرستاری نقش اصلی را ایفا می کنند. مثلاً در تبیین پدیده بی خانمان ها، بررسی سلامت یا تجربیات زندگی بی خانمان ها، آنها را سوق به توجهاتی می دهد که ریشه اصلی آن مسائل اقتصادی است. در حالیکه عوامل دیگری نیز در ایجاد پدیده بی خانمانی نقش دارند. (مانند تمایلهای فرد). بنابراین عینیت گرایی لیبرالیسم سبب شده تا دیدگاه های دیگر در حرفه مخدوش یا رد شوند و مشکلات تنها در ابعادی محدود مورد بررسی قرار گیرند. (۲۰)

بنابراین یکسری از تئوری های ایجاد شده در پرستاری مثلاً مدل ارتقاء سلامتی، مدل عقیده سلامتی، مدل سیستمی یا مدل رفتاری - تشخیصی در اثر پیش فرض های لیبرال و انتخاب آزاد شکل گرفته اند. (۱۰) با توجه به رویکرد منحصر بفردی انسان و توجه به همه جانبه بودن این دیدگاه باید نیروی زیادی در جامعه بسیج گردد تا سلامتی و مراقبت سلامتی افراد جامعه بر اساس منحصر به فردی آنان تامین شود. در نتیجه ی دیدگاه منحصر بفردی، پرستاران صدمات و بهای زیادی را برای ارضای تفکر منحصر بفردی افراد

در ارتقا سلامتی، توانمند سازی فردی و مراقبت از خود باید بپردازد و تمامی قدرت پرستاری بر مراقبتهای فردی تمرکز می یابد. (۹) در پرستاری امروزه تئوری آگاهانه بودن یا مدل ارتباط دو طرفه ارائه شده است که تمرکز آن بر روی برنامه های ارتقاء سلامتی با محوریت منحصر بفردی افراد است. بر همین اساس این مدل کمک می کند تا علاقمندی افراد برای خوب بودن و ارتقا سلامتی را تامین کند و نیازهای سلامتی افراد را بررسی و تامین نماید. البته انتخاب های افراد برای سلامتی و سالم ماندن نیز باید در همین چهارچوب ها شکل بگیرد (۱۰). این تاکید بسیار بر ارتقا سلامتی و حمایت فردی برای رسیدن به عملکرد مناسب افراد، مستلزم اینست که افراد توانایی های تشخیصی و مهارتهای لازم را داشته باشند تا سلامتی را برای خود و خانواده شان بدست آورند. که خود این امر اصل مساوات راز پرسوال می برد. زیرا همه توانایی کافی و یکسانی برای رسیدن به این امور در حد مطلوب ندارند. اگرچه سیستمهای بهداشتی - درمانی با تدارک سیستمهای حمایتی در اجتماع سعی در از بین بردن این بی عدالتی دارند، ولی این اصل را که رسیدن به حداکثر سلامتی برای همه مورد غفلت واقع می شود را از بین نمی برد. پس باید سیستمی کامل طراحی نمود که مصلحت تمام افراد را در نظر گیرد نه اینکه با ایجاد سیستمهای مکمل بسیار سعی در ارضای اصل منحصر به فردی و ارضای خواسته های فردی نمود. (۹)

در اصل بر اساس اصل منحصر بفردی در پرستاری، پرستار سعی می کند تا با تاکید بر ارتقاء سلامتی و پیشگیری از بیماری ها بیشترین تمرکز را بر پاسخگویی بر اساس منحصر بفردی افراد داشته باشد تا افراد قدرت تشخیص و مهارتهای ذهنی و حرکتی لازم را جهت تدارک سلامت خود و خانواده شان بدست آورند.

بر همین اساس پیش فرض بر اینست که افراد همواره خواهان سلامتی خواهند بود ولی در عمل همیشه این پیش فرض حاکم نیست. بیماران دارای مشکلات ذهنی، افرادی که به علت اعتقادات خاص خود از دریافت مراقبت های سلامتی به شکل موجود خودداری می کنند و... از موارد استثنا در این پیش فرض به شمار می آیند. آنچه مسلم است نفوذ اصل منحصر بفردی در ارائه خدمات سلامتی و مراقبت سلامتی علی رغم پافشاری های اجتماعی و اقتصادی لیبرالیستی حاکم بر آن سبب مشکلاتی در ارائه خدمات به مراجعین شده است و نگاه های اقتصادی و اجتماعی حاکم بر آن نیز سبب فراموشی این دسته از افراد شده است. (۹ و ۲۰)

### مساوات بشر در دانش پرستاری

سیاست مساوات بشر بیان می‌کند که همه حق دارند خدمات بهداشتی را دریافت کنند و به آن دسترسی داشته باشند. البته توجه کنید همین اجبار با اصول لیبرالیسم تناقض آشکاری دارد (آزادی و منحصر به فردی به عنوان اصل اساسی لیبرالیسم) (۱۰) بنابراین این فرض که اجتماع کاملاً یکسانی داریم و می‌توانیم به مساوات و عدالت در آن دست یابیم در حالیکه اصل ظلم اکثریت (غلبه استانداردهای اکثریت بر اقلیت اجتماع) در جامعه حکمفرما است، امری بعید بنظر می‌رسد. البته هنوز به این امر که اجبار دریافت خدمات سلامتی و تشخیص بیماری با منحصر بفردی تعارض دارد، به جای خود باقی است. امروزه در طراحی برنامه‌های مراقبتی در پرستاری سعی بر این است که نژاد و نژاد گرایی در جامعه، بیماری و انتخاب سبک زندگی در نظر گرفته شود و عدم استقبال از برنامه‌های سلامتی اغلب به تفاوت‌های فرهنگی بازگردانده می‌شود و اصلاح اصل منحصر بفردی و مساوات بشر در آن فراموش می‌گردد. براساس اصل مساوات هرکس و از هر دین، نژاد، فرهنگ و طبقه‌ای می‌تواند براساس فرهنگ خود از مراقبت‌ها یا درمان‌ها استفاده کند. این امر مراقبت‌های همه‌گیر و کلی برای جهان یا کشورها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و با شکست مواجه می‌سازد زیرا همه فرهنگها برنامه مورد نظر را تأیید نمی‌کنند که همین مورد اصل مساوات را زیر سؤال می‌برد. (۹)

امروزه در برنامه‌های مراقبتی و بخصوص در مراقبت‌هایی که برای کشورهای چند فرهنگی تدارک دیده می‌شود و در آنها تنوع اعتقادات وجود دارد سعی شده به این موضوع توجه شود. البته باید این فرهنگ‌ها را متقاعد کرد که برنامه‌های دولتی کاملاً به نفع آنان است و این امر را به آنان القاء کرد که سعی شده تا در برنامه‌های دولتی فرصت‌های مساوی برای افراد با فرهنگهای متفاوت و مردم تهی دست تهیه شود. ولی این خود با اصل منحصر بفردی و آزادی‌های فردی و تقدم مصلحت فرد بر اجتماع مغایرت دارد. زیرا هیچ کس یا دولتی حق ندارد مردم را برای امری متقاعد نماید و این خود افرادند که باید برای خود تصمیم بگیرند. اگر چه امروزه سعی شده تا این اشکالات با طراحی برنامه‌هایی مثل خود تشخیص دهی از بین برود اما همیشه نفوذ و سایه فرهنگ اصلی، اولیه و غالب در این برنامه‌ها دیده می‌شود.

<sup>6</sup> Self determination

اگر این اصل را در سطح جهانی مورد توجه قرار دهیم استعمارگری و به فقر کشاندن کشوری به نفع کشورهای دیگر برای کسب سلامتی شکلی جدی تر به مسئله ناموفقی در تامین مساوات بشری می دهد. فلسفه های معرفت شناسانه یک علم می تواند بسیار بی خبرانه و مخفی و در ظاهر با سیاست های خنثی بر روی شکل گیری یک تئوری اثر گذار باشد. (۹) مثلا در تئوری نیومن "جستجوی رفتار سلامتی" رفتار سالم شناخته شده رفتار غالب اجتماع است. و در همین تئوری افرادی که تمایل به همکاری ندارند به راحتی جدا می شوند و مورد توجه قرار نمی گیرند. (۱۰) ایدئولوژی پرستاری اغلب از طریق زیر سلطه سیاسی درآمدن رفتار و سلامتی و شناخته شدن رفتار غالب، ارتقاء می یابد. بطور خلاصه یعنی هر آنچه اکثریت افراد می طلبند استاندارد جامعه تلقی می شود که در اینجا اصل عدالت و منحصر بفردی در سایه آن رنگ می بازد. (۶) حال این سوال جدی مطرح می گردد که تدارک برنامه های سلامتی بر اساس نیاز تک تک افراد امری غیر ممکن و بی نهایت هزینه بر است از طرفی تحمیل نظر اکثریت بر همه نیز بنظر می رسد سبب نادیده گرفته شدن دسته ای از نیازهای انسان گردد. پس نیاز است تا برنامه های سلامتی و از جمله پرستاری بر اساس نیازهای واقعی انسان که تنها آفریننده انسان از آن مطلع است طراحی گردد.

#### اقتصاد آزاد و گسترش دانش پرستاری:

در پرستاری اصول اقتصادی لیبرالیسم به علت وابستگی مطلق به اصول دیگر از جهت ارائه مراقبتها و هم از جهت تحقیقات در این حرفه اهمیت دارند. (۱۳) کاربرد تحقیق در پرستاری و تاثیر آن بر سلامت از جنبه اجتماعی، اقتصادی و مراقبتی سبب توسعه تحقیق در پرستاری شد، و کم کم به اهمیت تاثیرات سلامتی در جنبه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توجه نمودند و این امر که عدم وجود سلامتی سبب بی عدالتی و مشکلات متعاقب آن خواهد شد مورد تاکید و توجه قرار گرفت. این مشکلات چند وجهی سبب تمایل بیشتر به تحقیقات در پرستاری شد. (۱۴) اما در تحقیقات پرستاری مشکلاتی نیز وجود دارد معمولا در پرستاری بر روی گروه های اقلیت جامعه یا افراد حاشیه ای جامعه تحقیقات زیادی صورت نمی گیرد و محققان اغلب مایلند بر روی مشکلات عمده و بزرگ بعلت مقرون به صرفه بودن و جنبه اقتصادی آنها تحقیق کنند. مثل دیابت، بدخیمی ها و... معمولا

تحقیقاتی که سیستم اقتصادی و برنامه‌های سلامتی را زیر سؤال ببرد حمایت نمی‌گردد، و اگر در تحقیقات اصول فلسفه حاکم مورد سؤال قرار گیرد مورد قبول قرار نمی‌گیرد. تحقیقاتی مانند اینکه آیا فرصت‌های دسترسی به سلامتی و برابری حقیقی است؟ و یا انتخاب آزاد برای افراد وجود دارد؟ اغلب به علت غلبه فلسفه لیبرالیسم نادیده گرفته می‌شوند. بیشتر این تمایل وجود دارد تحقیقاتی انجام گیرد که ارتقاء وضع موجود را سبب گردد نه اینکه اصول اصلی حاکم بر فلسفه حرفه را زیر سؤال ببرند. (۹)

در این راستا همواره از تحقیقاتی حمایت می‌شود که سبب گسترش بدنه دانش موجود شوند. بطوریکه این تحقیقات بیان کنند که وضع موجود خوب است و تنها در چند مورد اشکالات کوچکی دارد که باید برطرف شود، در این راستا تحقیقاتی در مورد اضطراب، افسردگی، درد، حمایت‌های اجتماعی و بررسی تفاوت‌های فرهنگی و... بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند. زیرا به اصول حاکم بر حرفه کاری ندارد و تنها در چهارچوب اصول موجود دست به انتخاب یا برنامه‌ریزی می‌زند. (۱۴) در اصل تمامی اصول باید بصورتی معنی شود که وضعیت موجود استوار تر گردد نه اینکه نقد شود. و همه تحقیقات بر اساس اصول لیبرالیسم رخ می‌دهد.

### دلالتها برای علم و دانش پرستاری

همگی ما عادت کرده ایم در بی عدالتی زندگی کنیم و آنرا عدالت بنامیم. مثلا منحصر بفردی در ابتدا امری کاملا آزاد منشانه به نظر می‌رسد اما با کمی دقت بی عدالتی آشکاری در حق اجتماع در آن دیده می‌شود. (۱۸)

سؤال کردن از پیش فرض‌های پایه‌ای دانش - که شامل پیش فرض‌های فلسفی آن است - به ما کمک می‌کند بفهمیم آیا علم ما شکست خورده است یا بطور غیر عمدی به نگهداری وضع موجود کمک می‌کند در اصل کاوش به شیوه‌های متفاوت به ما کمک می‌کند که بفهمیم آیا وضع موجود مطلوب است یا ما به اجبار آن را مطلوب جلوه می‌دهیم. (۳) حرکت کردن محض بر اساس پیش فرض‌های ایدئولوژیکی حاکم، مسئول اصلی خطاها و اشتباهات است و سبب جهت‌گیری تحقیقات ما می‌گردد. اگر ما قبول کنیم که استانداردهای بی‌کیفیتی که برای علوم یافت شده‌اند بر اساس قضاوت اجتماع، موقعیتهای تاریخی، اجتماعی و... هستند. جا دارد تا از خودمان سؤال کنیم اگر ارزشهای یک

ایدئولوژی را با دیگری جایگزین کنیم و یا اگر نتایج ما خارج از چهارچوب های موجود بدست آید، فوراً حکم بازداشت آن صادر خواهد شد یا بصورت یافته ای خطا و غلط در نظر گرفته خواهد شد؟ (۹) بنابراین با توجه به چهارچوب های ساخته شده بر اساس لیبرالیسم، توسعه دانش ما تنها براساس اصول لیبرالیسم خواهد بود و هر آنچه در این چهارچوب جای بگیرد برای ما ارزشمند محسوب می گردد. تفکر انتقادی ما حتی برای انتقاد کردن از پیش فرض هایی که در لیبرالیسم وجود دارد استفاده می کند و پرستاری، سلامت و مراقبت را با قبول محض اصولی مانند آزادی، برابری، قضاوت اجتماعی و منحصر بفردی مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. در ارتباط با این مطالب تفکر انتقادی و تحلیلی در مورد ایدئولوژی و فلسفه موجود می تواند مفید باشد و سبب شکستن چهارچوب های موجود لیبرالیستی گردد. معمولاً در بررسی فلسفه ها موارد مبهم، بدون سؤال و جواب و بحثی بصورت آشکارا رها می شوند و یا به زور در چهارچوب لیبرال موجود قرار می گیرند و یا با حداقل بحث و تبادل نظر در مورد آنان بایکوت می شوند. مثلاً در تئوری آندرسون وجود بحث فمینیسم در پرستاری و تغییرات تاریخی، اجتماعی و سیاسی رخ داده در آن زمان به اجبار بر روی تعاریف سلامتی و خوب بودن وی تاثیر گذاشته است و اصول لیبرالیسم مانند منحصر بفردی، برابری و سیاستهای اقتصادی نئولیبرالیسم با پس زمینه فمینیسم در آنها بخوبی دیده می شود. (۱۰) در پرستاری باید توجه داشته باشیم که تاریخچه و موقعیت اجتماعی ایجاد حرفه پرستاری وابستگی زیادی به لیبرالیسم دارد. سئوالاتی مانند چگونه اصول لیبرالیسم بر روی مساوات، گوناگونی افراد، نژاد، طبقه و جنسیت اثر دارد؟ و چگونه ارزشهای اجتماعی لیبرال بر روی تحقیق پرستاری اثر گذاشته است؟ چگونه تفکر لیبرالیسم با گروه های مخالف و موافق خود برخورد می کند؟ و نتیجه این برخوردها چیست؟ و آیا می توان این چهارچوب ها را شکست؟ باید از مواردی باشد که در آینده در حرفه مورد توجه قرار گیرند و تحقیقات وسیعی در این رابطه صورت پذیرد. (۹ و ۱۸ و ۱۹)

#### بحث:

در سال های اخیر ارزشها و فلسفه های علوم مورد تردید قرار گرفته اند و تاثیر ایدئولوژی های سیاسی بر علوم در مواردی ترقی دهنده و در موارد نزول دهنده بوده است. پرستاری نیز مانند دیگر علوم علمی عینی (استفاده از روشهای سخت و غیر قابل



تغییر علمی) است. اصول ایدئولوژی لیبرال مانند برابری، منحصر بفردی، انتخاب آزاد و سیاست بر پرستاری و توسعه علم آن سایه افکنده است و بر پایه آن علاقمندی‌های تحقیق و دورنمای اجتماع مطلوب ساخته می‌شود.

متأسفانه این ایدئولوژی‌ها سبب انحراف از راه‌ها و حقایق واقعی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شوند و حتی در مواردی ما را بسوی عملکرد نا برابر و نا عادلانه سوق می‌دهد. اگر ما خواهان توسعه واقعی پرستاری هستیم و قضاوت اجتماعی و تغییرات اجتماعی واقعی را در ارتقاء سلامتی، مراقبت سلامتی، تفکر انتقادی، تحقیق و توسعه تئوری‌ها می‌خواهیم نیاز به فکر کردن و رای تئوری‌های لیبرالیسمی موجود داریم و باید به ایدئولوژی‌های الهی نیز بطور جدی توجه کنیم. تنها با تفکر انتقادی است که می‌توان دانش را توسعه داد و خارج از چهارچوب ارزشی لیبرالی حاکم به علم پرستاری واقعی بر اساس نیازهای حقیقی انسان دست یافت. علاوه بر موارد گفته شده موارد بسیار دیگری نیز در علم پرستاری وجود دارد که نیاز به بررسی و مطالعات عمیق‌تر را می‌طلبد و باید به آن توجه نمود ولی آنچه از این گفتار بر می‌آید لیبرالیسم بر پرستاری تأثیرات بسیاری داشته است و این تأثیرات نیاز به بررسی بیشتر خارج از چهارچوب‌های تئوریک موجود دارد تا از این راستا به فلسفه درست در علم پرستاری دست یافت. در اینجا است که نبود تئوری بر اساس فلسفه اسلامی در پرستاری به خوبی خود را نشان می‌دهد. طراحی نظریه‌ای بر اساس ایدئولوژی اسلامی که داعیه توجه به تمام نیازهای بشر را دارد می‌تواند خلا فلسفی موجود را به خوبی پر کند و نقایص تئوری‌های موجود را در تامین نیاز انسان نشان دهد.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

لیبرالیسم به عنوان فلسفه حاکم بر غرب بر روی حرفه پرستاری نیز مانند دیگر شئون زندگی جوامع غربی بیشترین تأثیر را داشته است. اگر چه شاید مستقیماً از فلسفه لیبرالیسم در تئوری‌های پرستاری نام برده نشده است، ولی فلسفه‌های بوجود آمده از آن مانند فمینیسم و پراگماتیسم تأثیر غیر قابل انکاری در پرستاری دارند. و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیرات لیبرالیسم در پرستاری را نشان می‌دهند.

اصول لیبرالیسم چون با داعیه آزادی در جوامع نفوذ می‌کند همیشه در نگاه اول جذاب و قابل قبول می‌نماید که همین امر در پرستاری نیز رخ داده است ولی در مراحل

بعدی و اجرایی کار این بنای زیبای ساخته شده بر اساس فلسفه لیبرالیسم نقص‌ها و عیب‌هایش مشخص می‌گردد. اگرچه در جوامعی که بر اساس این فلسفه اصول خود را طراحی نموده‌اند همواره این هوشیاری وجود داشته است که به محض تخریب قسمتی از این بنا به سرعت با ارائه فلسفه‌های ترکیبی یا نو آن را تعمیر نمایند، ولی این خود سبب شده تا در جوامع غربی نیز به فکر ساخت بنایی نو بیفتند زیرا ظاهراً بهایی که برای تعمیر بنای موجود لیبرالی در حال پرداخت هستند از ساخت بنایی جدید بیشتر شده است.

در پرستاری نیز همین امر در حال رخ دادن است اصولی مانند منحصر بفردی و مساوات بشر که در ابتدا جزئی جدایی‌ناپذیر از پرستاری بنظر می‌رسیدند در حال حاضر برای پرستاری دردسر ساز شده‌اند. توجه به اقتصاد بازار آزاد در پرستاری و آزادی فردی و تقدم آن بر مصلحت جامعه سبب شده تا جوامع غربی عملاً برای انسان‌های با ضریب هوشی کم و حتی متوسط دیگر جایی برای زندگی مطلوب نباشد و عملاً آنان نتوانند خود را با شرایط حاکم بر جامعه شان سازگار کنند. فریاد عدالت خواهی و آزادی لیبرالیستی دیگر برای مردم فرهیخته جهان تمسخر آمیز شده است زیرا عملاً مشاهده می‌نمایند که سیاست‌های بازار آزاد آنان چگونه عده‌ای را برای بهره‌وری دیگران به زیر سلطه کشیده است. عدالت خواهی و مساوات در این جوامع یعنی همه به یک شکل در آمدن که کاملاً با اصل فردگرایی لیبرالیسم مغایر است. در حرفه پرستاری برای ارائه خدمات مراقبتی و بهداشتی با بحرانی روبرو شده ایم که چگونه می‌توان بر اساس اصل فرد گرایی به سلامت جامعه دست یافت، در حالیکه باید مصلحت فرد را بر جمع مقدم دانست. لذا برای رفع این مشکل در این جوامع دست به یکسان سازی عقاید برای کسب مراقبت‌ها و خدمات سلامتی نموده‌اند که آگاهانه اصل فردگرایی و ارزش آزادی‌های فردی را زیر سوال برده است.

این همه تناقض در اصول لیبرالیسم در پرستاری برای مجریان حرفه گنج‌کننده شده است دیگر امروزه صحبت از متافیزیک و توجه به ابعاد معنوی انسان در پرستاری می‌شود. در مقالات صحبت از این می‌گردد که باید از چهارچوب‌های قالبی فلسفه‌های موجود خارج شد و طور دیگر دید. صحبت از نفی تجربه گرایی مطلق و توجه به مذهب در ارائه مراقبت به بیماران می‌گردد. اگرچه همه این امور هنوز رنگ و بوی لیبرالیسمی دارند، بطوریکه محققین با طنزی تلخ بیان می‌کنند ما در جایی گرفتار شده ایم که باید برای

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

نفی لیبرالیسم باز هم از اصول لیبرالیسم کمک بگیریم. ولی آنچه مسلم است این بنا دیگر به زیبایی گذشته نیست. حال زمان آنست تا با طراحی بنایی زیبا بر اساس اصول تشیع و اسلامی چشم جهانیان را به سوی این دین الهی و معرفت بی انتها که مستقیماً از جانب خداوند به ما ارزانی شده است باز کنیم و با شناخت دقیق و واقعی اسلام بتوانیم به حرفه پرستاری شکل و معماری جدیدی بدهیم. متأسفانه فلسفه ای مدون و عملکردی برای پرستاری بر اساس ایدئولوژی اسلام وجود ندارد و این امر نیازمند مطالعات و کار بیشتری است.

### منابع:

- ۱- آریلاسترا. ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۷.
- ۲- ماهر زاده، طیبه. سکولاریسم و تاثیرات آن بر تعلیم و تربیت. پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت مدرس، ۱۳۶۷.
- 3- Mason DJ, Leavitt JK, Chafee MW . Policy & politics in nursing and health care. www.Google.com/ online/ book. 14.07.2009.
- 4- Doane GH, Varcoe C. Family nursing as relational inquiry. www.Google.com/ online/ book. 14.07.2009.
- 5- Kuczewski KG. The epistemology of communitarian bioethics : traditions in the public debates. Theoretical medicine. 2001; (22): 135-150.
- 6- Reed J, Groun J. Philosophical and theoretical perspectives for advanced nursing practice. fourth edition. U.S: Jones and Bartlett publisher; 2006.
- 7- Edwards SD . Philosophy for nursing. Australia: Arnold; 1997.
- ۸) محمودیان ف، یوسفی منش ح، بهنام م، کرمی م. بررسی مقایسه ای دلایل موافقان و مخالفان اتانازی. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی. ۳(۲): ۱۳۸۸: ۲۶-۱۷.
- 9- Brown AJ . The influence of liberal political ideology on nursing science. Nursing Inquiry 2001; 8(2): 118-129.
- 10- Tomy AM. Theorists and their work, sixth edition, U.S: Mosby; 2006.
- 11- Cody WK. Philosophical and theoretical perspective for advanced nursing practice. Fourth edition. U.S: Jones and Bartlett publishers; 2006.
- 12- Brennan TA. Liberalism and medical ethics. Medical Ethics, 1992; 22(6): 201-212.

- 13- Myrick F. Pedagogical integrity in the knowledge economy. *Nursing Philosophy*.2004; 5:23-29.
- 14- Racine L. Implementing a Postcolonial Feminist Perspective in nursing research related to non – western populations. *Nursing Inquiry*.2003; 10(3): 91-102.
- 15- Husien-chou M, Lee LC. Initial Formation of nursing philosophies following fundamental clinical practice: the experience of male nursing Students. *Journal of Nursing Research*.2007; 15(2): 127-136.
- 16-Ikonomidis S, Singer PA. Autonomy, liberalism and advance care planning. *Journal Medicine Ethics*.1999; 25(6):522-527.
- 17-With KN. Negotiating science and liberalism: Medicine in nineteenth-century south Australi. *Medical History*. 1999; 43(2):173-192.
- 18- Huntington AD, Gilmour JA. Re-thinking representations, re-writing nursing texts: Possibilities through feminist and Foucauldian thought, *Journal of Advanced Nursing*.2007; 35(6): 902-908.
- 19-Klein HG. Blood avoidance for the critically ill: Another blow to liberalism? *Critical Care Medicine*.2006; 34(7):2013-2014.
- 20-Nodding N. Caring, socialpolicy and homelessness. *Theoretical Medicine* . 2002; 23:441-454